

واکاوی رویکرد نظام حقوقی ایران به وضعیت زنان خانه‌دار

سمانه رحمتی فر*

DOI: 10.22096/HR.2021.139007.1254

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۶]

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی وضعیت زنان خانه‌دار در نظام حقوقی ایران از حیث وظایف دولت در برابر این گروه از شهروندان به قصد ارائه راه‌کاری حقوقی برای حمایت مطلوب و احقاق حقوق بشری آنان است. از آن‌جا که اشتغال پیش‌شرط بهره‌مندی معنادار از حقوق بشر است، چالش اصلی، تنظیم سطح حمایت‌ها است؛ به نحوی که هم حقوق زنان خانه‌دار محقق شود و هم انگیزه اشتغال زنان از میان نرود. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی است؛ در وهله نخست مسائل و مشکلات زنان خانه‌دار تبیین و سپس مسائل بر راه‌کارهای نظام حقوقی برای رفع آن‌ها منطبق می‌شود تا با روشن شدن مشکلات مغفول مانده، توصیه‌هایی برای رفع آن ارائه می‌گردد. مهم‌ترین مسئله زنان خانه‌دار، کسری کنش و مشارکت عمومی و عدم دسترسی به منابع ثروت عمومی است. در حال حاضر نظام حقوقی ایران برنامه جامعی برای زنان خانه‌دار ندارد. راه‌کار پیشنهادی قائل شدن به تفکیک میان نسل کنونی و آینده است. به این ترتیب که از طرفی خانه‌داری بخشی از زنان نسل کنونی به رسمیت شناخته شود و دولت مسئولانه و همه‌جانبه مشکلات آنان را رفع کند و از طرف دیگر زمینه اشتغال برای نسل آینده زنان فراهم شود؛ تا خانه‌داری به یک انتخاب معنادار فردی تبدیل گردد.

واژگان کلیدی: اشتغال زنان؛ بیمه زنان خانه‌دار؛ مشارکت عمومی؛ حقوق بشر؛ توانمندسازی.

* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.



۱- مقدمه

طبق آمار رسمی حدود شصت و دو درصد زنان ایران خانه‌دار محسوب می‌شوند و «بیشتر جمعیت غیرفعال کشور را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهند.» (سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۷: ۶۷) عرف جامعه به زنان این اجازه را می‌دهد که در مقابل پرسش از نوع شغل، خود را خانه‌دار بنامند، نه بیکار؛ ولی زنان خانه‌دار در برابر انجام کار، مستحق بهره‌مندی از تبعات اشتغال، مانند درآمد مالی، مرخصی و بازنشستگی و مشارکت اجتماعی، نیستند؛ به خطر افتادن حقوق شهروندی مداخله دولت را ضروری می‌نماید.

خانه‌داری طیف وسیعی از وظایف را در خود نهفته دارد که بخشی از آن در خانه انجام می‌شود، مانند پخت و پز، رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان، شستن لباس‌ها و نظافت اشیاء و اتاق‌ها و بخشی نیاز به خروج از خانه دارد، مانند خرید کردن، انجام امور اداری و بانکی خانواده و بردن و آوردن فرزندان به مدرسه و نزد پزشک. در شناسایی زن خانه‌دار، مجموعه‌ای از مؤلفه‌ها دخیل هستند؛ از جمله گذراندن اوقات در خانه، نداشتن درآمد، عدم اشتغال، انجام امور منزل و البته معیار نهایی، عرف. بنابراین منظور از زن خانه‌دار زنی متأهل یا سرپرست خانوار است که شاغل نیست و بخش اصلی وقت خود را صرف انجام امور منزل شخصی خود یا منزل مشترک با همسر می‌کند؛ این اصطلاح منصرف از زنانی است که در منزل دیگری به خانه‌داری اشتغال دارند و در برابر آن مزد دریافت می‌کنند.

حقوق شهروندی در تعامل با حقوق بشر بین‌الملل توسعه می‌یابد؛ در خاص مورد زنان خانه‌دار نظام حقوق بشر که به صورت روزافزون به وضعیت گروه‌های اقلیت توجه می‌کند، تاکنون حمایتی از زنان خانه‌دار نداشته و در عوض تأکید خود را بر حق اشتغال^۱ و بهینه‌سازی شرایط کار برای زنان^۲ گذاشته است. البته این رویکرد یک استثنا دارد، سیداو به «نقش مهمی که زنان روستایی در اقتصاد خانواده‌های خود از طریق کار در بخش‌های غیرمالی اقتصادی به عهده دارند، توجه خاص مبذول» (UN, 1979: 14) داشته و خانه‌داری زنان روستایی را مورد حمایت قرار داده است. درحالی که در ایران خانه‌داری یک انتخاب فردی است، منتها انتخابی که نیروی محرکه‌اش نه آزادی اراده که سیاست‌های کلان دولت است؛ به تعبیر دیگر خانه‌داری رسماً توسط دولت به زنان توصیه می‌شود و لذا دولت باید، با پیروی از قاعده عقلی اقدام، از عهده تبعات این توصیه، در قالب نظام حقوق شهروندی، برآید که خود با مانعی مواجه است. دولت برای اینکه به وظایفش عمل کند نیاز به

1. See: UN, 1979: 11.

2. See: ILO, 1935.

دسترسی به شهروندان دارد. خانه‌داران بخش قابل توجهی از وقت خود را در خانه سپری می‌کنند. جایی که حریم خصوصی محسوب می‌شود، دور از دسترس دولت است و به تجویز نظام حقوق بشر بین‌الملل^۱ و قانون اساسی، دولت از مداخله در آن جز در فرض ضرورت منع شده‌است. چنین ظرافت‌هایی، وجود سازوکار حقوقی منحصراً و منسجمی را ایجاب می‌کند.

ضرورت پژوهش این است که اولاً در خصوص زنان خانه‌دار یک قانون منسجم وجود ندارد و ناچار رویکرد نظام حقوقی را باید در میان مصوبات پراکنده یافت؛ ثانیاً، به‌رغم اینکه پژوهش‌های متعدد در حوزه علوم اجتماعی و روان‌شناختی پیرامون خانه‌داری زنان انجام شده‌است، تاکنون پژوهش حقوقی در این خصوص انجام نشده شده‌است. هدف اصلی پژوهش حاضر ارائه راه‌کاری حقوقی برای حمایت مطلوب از زنان خانه‌دار است؛ اهداف فرعی عبارتند از تبیین مسائل و مشکلات خاص زنان خانه‌دار و تحلیل وضع موجود نظام حقوقی ایران در رابطه با زنان خانه‌دار. پرسش اصلی این است که چه راه‌کار منسجمی برای حمایت از زنان خانه‌دار می‌توان ارائه داد؟ مسائل خاص زنان خانه‌دار کدام است؟ نظام حقوقی تا چه حد در جهت رفع آن‌ها حرکت کرده است؟ فرضیه این است که نظام حقوقی ایران برنامه خاصی برای حمایت از زنان خانه‌دار ندارد. به‌رغم اینکه مسائل زنان خانه‌دار عمدتاً غیرحقوقی است ولی دولت می‌تواند از طریق نظام حقوقی آن‌ها را برطرف کند. دولت برنامه قابل توجهی برای حمایت از زنان خانه‌دار ندارد و مشکلات و دیدگاه آنان را در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ نمی‌کند درحالی‌که خود، خانه‌داری را به مثابه یک سبک زندگی به زنان توصیه می‌کند.

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی با رویکرد تطبیقی (تطبیق حقوق و ناهقوق) است. به این ترتیب که مسائل زنان خانه‌دار در چهار طبقه فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی از طریق مراجعه به نتایج پژوهش‌های میدانی تبیین و رویکرد نظام حقوقی به هر یک از مسائل از طریق بررسی مصوبات رسمی مرتبط، تحلیل می‌شود تا نقاط ضعف و قوت حقوق ایران در رفع مسائل زنان خانه‌دار روشن شود و نهایتاً سازوکاری، قابل اعمال در حقوق ایران، برای مواجهه بهینه دولت با خانه‌داری زنان پیشنهاد می‌شود. برای تحلیل موضع حقوق ایران به زنان خانه‌دار، مصوبات با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار می‌گیرد. پژوهش حاضر در چهارچوب روش تحقیق حقوقی انجام می‌شود و در نتیجه غیرکمی و غیرمیدانی است و فراخور بحث از آمارهای موجود و نتایج مطالعات میدانی انجام شده، به‌عنوان ابزارهای مطالعه کتاب‌خانه‌ای، استفاده می‌شود. رویکرد حقوق بشری مقاله مبتنی بر این فرض است که حقوق زنان، یکی از مصادیق حقوق بشر و به عبارتی همان

1. See: UN, 1966: 17.

حقوق بشر است و در کشوری که بخش بزرگی از جمعیت زنان، خانه‌دار محسوب می‌شوند، حقوق زنان خانه‌دار، مصداق و موضوع حقوق بشر است.

۲- مسائل فردی

منظور از مسائل فردی مجموعه‌ای از اختلالات و نارسایی‌هایی است که به جسم یا روان انسان وارد می‌شود.

۲-۱- تبیین مسائل فردی خاص زنان خانه‌دار

خانه‌داری در ذات خود جمع دو نقیض است: از یک طرف، خسته‌کننده، یک‌نواخت، بدون ارتقاء، نامرئی و بی‌تنوع و از طرف دیگر، آرامش‌زا است و به زنان امکان برخی فعالیت‌های جانبی چون ورزش، مطالعه، پیاده‌روی و تماشای فیلم و تلویزیون را می‌دهد.^۱ اگرچه آزادی مورد اشاره، عملاً به بهره‌مندی بهینه از اوقات فراغت نینجامد. چراکه زنان خانه‌دار با فقدان یا کمبود فضاهای تفریحی مواجه هستند؛ کمبود وقتِ خصوصی نیز در این مورد بی‌تأثیر نیست؛ درحالی‌که در بادی امر به نظر می‌رسد، شاغل نبودن، به معنای فرصت بیشتر برای فراغت است، ناتوانی در مدیریتِ زمان، به اتلاف وقت منجر می‌شود.^۲ نتایج پژوهش‌های میدانی نشان می‌دهد به‌رغم اینکه زنان خانه‌دار روزانه حدود هفت ساعت بیش از زنان شاغل امکان فراغت دارند، رضایتشان از گذران اوقات فراغت خود، کمتر است.^۳

بعضی اختلالات اسکلتی-عضلانی مانند ناهنجاری عمدتاً در کمر، زانو و شانه و دیگر مفاصل در میان زنان خانه‌دار رایج‌تر است و عواملی مانند سن، ورزش، تحصیلات و وضعیت تأهل بر آن تأثیر می‌گذارد.^۴ عدم اشتغال بر کیفیت زندگی به‌خصوص از جنبه روانی، تأثیر منفی دارد. در اختلالات روانی، به‌ویژه استرس و افسردگی، زنان خانه‌دار نسبت به شاغلان وضعیت بهتری ندارند.^۵ آمار بالایی ناهنجاری روانی در زنان خانه‌دار غیرایرانی هم مشاهده می‌شود؛^۶ گرچه نمی‌توان با قطعیت گفت که خانه‌داری علت این اختلال‌ها است یا معلول آن، برخورداری از سلامت به‌عنوان یک حق بشری، رفع آنرا ضروری می‌سازد.

۱. نک: صادقی فسایی و میرحسینی، ۱۳۹۵: ۲۶، ۲۷.

۲. نک: علوی‌زاده، ۱۳۹۶: ۸۱، ۸۲.

۳. نک: حبیب‌پورگنابی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۲.

۴. نک: عقیلی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۱: ۸۷.

۵. نک: فلاح‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۲۰.

6. See: Harilal and Santhosh, 2017.

بخشی از مشکلات فردی زنان خانه‌دار از طراحی و معماری خانه ناشی می‌شود، چون بیش‌ترین زمان خود را در خانه می‌گذرانند، معماری داخلی و وسایل خانه، عامل تعیین‌کننده‌ای در میزان بهره‌وری و رضایت آنان از زندگی است.^۱ برای کارگاه‌ها، استانداردهای متعددی بسته به نوع کار و شرایط کارگر پیش‌بینی و بخشی از این معیارها موضوع قوانین واقع شده‌است؛ حضور تمام وقت زنان خانه‌دار در فضای خانه، توجه ویژه به تأمین و تضمین سلامت جسمی، روانی و اجتماعی آنان را ضروری می‌سازد. این موضوع تلویحاً مورد توجه سیداو هم واقع شده و برای زنان «حق حفاظت از سلامت و ایمنی در شرایط کار» (UN, 1979: 11-f) را پیش‌بینی کرده و دولت موظف به تضمین بدون تبعیض آن شده‌است.

۲-۲- رویکرد حقوق ایران به مسائل فردی زنان خانه‌دار

سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران، مصوب شورا، توصیه‌هایی، خطاب به دستگاه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرایی و نظارتی، برای پر کردن بهینه اوقات فراغت زنان دارد؛ از جمله: پر کردن اوقات فراغت زنان خانه‌دار در خانه، از طریق آموزش‌های غیرحضوری؛ ترغیب زنان به امر ورزش به‌عنوان مروجین و مشوقین ورزش در خانواده؛ تخصیص بودجه و منابع مالی و امکانات لازم برای تأمین اوقات فراغت بانوان و ارائه خدمات رایگان برای زنان محروم.^۲ نوآوری این مصوبه، به رسمیت شناختن کارکرد فضای مجازی، به‌عنوان ابزاری در رابطه زنان خانه‌دار و دولت به قصد تسهیل انجام وظایف دولت است. به‌موجب منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران، زنان (اعم از شاغل و خانه‌دار) حقوق فردی مانند بهره‌مندی از تغذیه سالم، حق بهره‌مندی از اطلاعات، آموزش‌ها و کسب مهارت‌ها و امکانات کار جهت اشتغال مناسب و حق برخورداری از حمایت در این امور برای زنان خودسرپرست (مستقل-غیروابسته) و سرپرست خانوار دارند.

در مقدمه سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان، به اهمیت سلامت زنان با توجه به جایگاهشان در حفظ و ارتقای سلامت خانواده اشاره شده است و در ادامه برنامه‌ریزی‌هایی را پیشنهاد می‌دهد که به زنان خانه‌دار ارتباط دارد: دسترسی زنان آسیب‌پذیر، سرپرست خانوار، خودسرپرست و معلول جسمی، روانی و اجتماعی به خدمات حوزه سلامت^۳؛ توسعه فرهنگ ورزش و رفع موانع موجود؛ رعایت اصول معماری اسلامی و ملی با توجه به خصوصیات روحی و

1. See: Alkhanaini, 2012: 18.

۲. نک: ش.ع.ا.ف، ۱۳۸۱.

۳. نک: ش.ع.ا.ف، ۱۳۸۶: م. ۴-۱۰.

جسمی زنان در شهرسازی، ساخت مدارس و مراکز فرهنگی و ورزشی ویژه آنان؛ آموزش و فعال کردن زنان جهت ارتقای آگاهی و تربیت اعضای خانواده؛ افزایش آگاهی جامعه از نقش و تأثیر شغل خانه‌داری در سلامت و توسعه کشور و حمایت از آن؛ زمینه‌سازی برای خود اشتغالی و مشاغل خانگی زنان به‌ویژه برای اقشار آسیب‌پذیر. حسن این سند غیرالزام‌آور این است که خلاءهای موجود در مورد بخشی از مسائل جسمانی و روانی زنان خانه‌دار را مشخص می‌کند.

ورزش و سلامت جسمانی زنان خانه‌دار، از طریق فرهنگ‌سازی و برداشتن موانع دسترسی به امکانات ورزشی و بهداشتی، از جمله موضوعات مورد توجه مصوبات است؛ از این منظر که بهینه‌سازی سلامت زنان، علاوه بر اینکه حق سلامت آنان را تأمین می‌کند، سطح سلامت خانواده را هم ارتقا می‌دهد. لازم به توجه است که این خدمات «برای بهره‌مندی بانوان محروم و مستضعف از امکانات موجود فرهنگی بدون پرداخت هزینه» (ش.ع.ا.ف. ۱۳۸۱: مؤلفه ۴) ارائه می‌شود و دیگر زنان خانه‌دار باید از عهده پرداخت هزینه‌ها برآیند؛ درحالی‌که حداقل به واسطه خانه‌داری فاقد درآمد هستند. در میان مسائل فردی، مقوله سلامت روان زنان خانه‌دار مغفول مانده است.

۳- مسائل اجتماعی

طبق اساس‌نامه سازمان سلامت جهانی، «سلامت صرفاً به معنای بیمار نبودن فرد نیست، بلکه منظور از آن بهزیستی کامل در ابعاد گوناگون از جمله از حیث اجتماعی است.» (WHO, 1946: Preamble) سلامت اجتماعی یکی از ابعاد سلامت انسانی و به معنای ارزیابی فرد از عملکردش در برابر جامعه است و مؤلفه‌های آن عبارتند از مهارت‌های ارتباطی، عزت نفس و قدرت تصمیم‌گیری.^۱

۳-۱- مسائل اجتماعی خاص زنان خانه‌دار

تضعیف‌کننده اصلی سلامت اجتماعی زنان خانه‌دار، در مقایسه با شاغلین، محرومیت از فواید اجتماعی اشتغال است که از جمله آن می‌توان به این موارد اشاره کرد: آموزش مستمر ضمن کار، برخورداری از مرخصی معنادار و مزایای رفاهی و نیز بازنشستگی و پیامدهای آن مانند داشتن اوقات فراغت معنادار و مهم‌تر از همه مشارکت و تعامل اجتماعی. از آن‌جا که محل زندگی و فعالیت روزانه زنان خانه‌دار، در حریم خصوصی خانه و دور از دسترس نهادهای رسمی است، تبعاً از برنامه‌های آموزشی، اعم از دانشی، فنی و مهارتی، دور می‌مانند؛ نداشتن آموزش کافی از جمله در ضعف قدرت تصمیم‌گیری، مهارت‌های ارتباطی و مهارت حل تعارضات بینافردی

۱. نک: فرهمند و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۵۷ و ۱۵۹.

جلوه‌گر می‌شود. ضعف آموزش بر زنان و محیط پیرامونشان تأثیر منفی می‌گذارد؛ از یک طرف توانمندی زنان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و این به معنای افزایش وابستگی به دیگری و کاهش خودمختاری فردی، احساس بی‌منزلفتی و کم‌ارزشی به عنوان عضو جامعه است و از طرف دیگر به محیط طبیعی و انسانی پیرامون آنان آسیب وارد می‌کند. برای مثال زنان خانه‌دار با اصل موضوع لزوم توجه به محیط زیست آشنا هستند ولی روش‌ها و لوازم آن را کمتر می‌شناسند؛ جالب اینکه آشنایی در زنان جوان پایین‌تر است.^۱ به عبارت دیگر خانه‌داری توسط آنان خوب انجام نمی‌شود. صرف نظر از اینکه خانه‌داری ظرفیت شغل تلقی شدن را دارد یا نه، انجام آن در انطباق با دانش روز و با لحاظ ارزش‌های اجتماعی و بشری مانند حفاظت از محیط زیست و برابری جنسیتی، می‌تواند تحقق حقوق شهروندی را تسهیل نمایند و منزلت خانه‌داری، را نزد خانه‌داران و جامعه ترمیم می‌کند؛ به علاوه کسری آموزش، موجب کاهش رضایت‌مندی از وضعیت رفع تعارض (ارزیابی نگرش‌ها، احساسات و اعتقادات شخصی همسر در به‌وجود آوردن یا حل تعارض میان زوجین)، نحوه تربیت فرزند در زنان خانه‌دار شده است.^۲ یعنی صرف وقت بیش‌تر برای همسر و فرزندان صرفاً و بدون آگاهی و مهارت کافی، به بهینه شدن ارتباط منبجمد.

۳-۲- رویکرد حقوق ایران به مسائل اجتماعی زنان خانه‌دار

قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست یکی از قوانین تقریباً مرتبط با این موضوع است که حمایت‌هایش شامل زنان بیوه، سال‌خورده و نیز زنانی می‌شود که به واسطه مفقودالاثری یا ازکارافتادگی سرپرست، دائماً یا موقتاً بدون سرپرست (نان‌آور) شده‌اند و به محض ازدواج یا تحت تکفل قرار گرفتن قطع می‌شود.^۳ قانون اشاره مستقیم به مقوله زنان خانه‌دار ندارد ولی جمع میان خانه‌داری و به تعبیر قانون‌گذار، بی‌سرپرستی است که زنان را از حیث شدت آسیب‌پذیری هم ردیف کودکان می‌نشانند.

سیاست‌های کلی خانواده مصوبه دیگری است که به مسأله اجتماعی زنان خانه‌دار اشاره دارد. به‌موجب آن یکی از سیاست‌ها، «حمایت از عزت و کرامت... نقش... خانه‌داری زنان و نقش... اقتصادی مردان...» (مجمع، ۱۳۹۵: بند ۱۲) می‌باشد. این مصوبه از جمله مفاد حقوق موضوعه ایران است که به خوبی توصیه شدن خانه‌داری برای/به زنان و اولویت نداشتن اشتغال آنان را نشان می‌دهد. سند برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده در اجرای ماده دویست و سی

۱. نک: ویسی و زرنیدیان، ۱۳۸۸: ۲۰، ۲۱.

۲. نک: ابراهیمی و صالحی، ۱۳۹۰: ۵۹.

۳. نک: مجلس، ۱۳۷۱: م. ۶.

برنامه پنجم توسعه (مجلس، ۱۳۸۹) تدوین شده است. یکی از ارزش‌های برنامه، خانواده‌محوری، به معنای تأکید بر جایگاه مادری و همسری زن در خانواده، می‌باشد.^۱ در این برنامه بر لزوم «ایجاد مکانیزم قانونی برای ارزش‌گذاری کار زنان خانه‌دار و ایجاد زمینه برای ارتقای هویت و تأمین اجتماعی آنان» (هیئت وزیران، ۱۳۹۲: محور امور معیشتی و اقتصادی) تأکید شده است. صرف نظر از اینکه ضمانت اجرای این مصوبه روشن نیست، ارجاع مصوبه هیأت وزیران به قانون آینده، حکایت از نبود عزم جدی در اجرای محتوا دارد.

سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران به قداست مقام مادری و مدیریت خانه و لزوم ارزش‌گذاری معنوی و مادی نقش زنان در خانواده و خانه‌داری تأکید می‌کند؛^۲ با توجه به اهمیتی که نظام جمهوری اسلامی ایران برای بنیان خانواده و نقش زنان در خانه قائل است، توصیه می‌کند به مناسبت شغل مادرانه مقررات و تسهیلات لازم، در نظر گرفته شود.^۳ در مورد زنان خانه‌دار، پیشنهادش، ایجاد «فرصت‌های شغلی مناسب برای مادران خانه‌دار در محیط خانه و در کنار فرزندان، بدون محدودیت وقت و با منظور کردن مزد در قبال کار و تسهیلات تعاونی» (ش.ع.ا.ف، ۱۳۷۱: م. ۱۲) است. حتی اگر این مصوبه اجرا شود، مشاغل خانگی، کارکردهای سیاسی و اجتماعی اشتغال را ندارند و در بهترین حالت از حیث اقتصادی به بهبود وضعیت زنان خانه‌دار کمک می‌کنند.

به موجب منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران که ادعای انعکاس دیدگاه‌های جمهوری اسلامی نسبت به زنان و حقوق و وظایف آنان را دارد،^۴ زن و مرد به دلیل نقش‌های بدل‌ناپذیر خود در خانواده، در حقوق و وظایف تفاوت دارند و از جمله از حقوق اجتماعی موضوع این مصوبه می‌توان به این‌ها اشاره کرد: آگاهی و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تنظیم خانواده؛ امنیت مادی و معنوی در دوران سال‌خوردگی و از کارافتادگی برای مادران؛ برخورداری از حمایت‌هایی در صورت فقر، طلاق، معلولیت، بی‌سرپرستی، بدسرپرستی و ایجاد امکاناتی جهت توان‌بخشی و خودکفایی آن‌ها؛ حق بهداشت (محیط، کار و ...); بهره‌مندی زنان و دختران آسیب‌دیده جسمی، ذهنی، روانی و در معرض آسیب از امدادسانی و توان‌بخشی مناسب.

۱. نک: هیئت وزیران، ۱۳۹۲: ارزش‌ها.
۲. نک: ش.ع.ا.ف، ۱۳۷۱: م. ۱.
۳. نک: ش.ع.ا.ف، ۱۳۷۱: م. ۱۰.
۴. نک: ش.ع.ا.ف، ۱۳۸۳: بند چهار-الف.

از روح مصوبات چنین برمی‌آید که از منظر حقوقی، وظایف اجتماعی زن و مرد متفاوت است؛ وظیفه مرد کار کردن و تأمین معاش خانواده و وظیفه اصیل زن، خانه‌داری است. زن، پیوندی ناگسستنی با خانواده دارد؛ به نحوی که زن و خانواده در مصوبات بسیاری کنار یکدیگر می‌نشینند؛ یعنی گاهی حمایت‌ها به مادران تعلیق می‌گیرد و گاهی حتی تعداد فرزندان در سطح حمایت مؤثر است؛ تبعاً پیوند زن خانه‌دار و خانواده محکم‌تر است. غایت حقوق، بهبود وضعیت و کارکرد نهاد خانواده است، به عبارت دیگر زن خانه‌دار در آن طریقت دارد، نه موضوعیت. به این ترتیب جایگاه زن خانه‌دار، در خانه، یعنی در سپهر خصوصی، است و نظام حقوقی، در مقام تنظیم‌کننده مناسبات عمومی، جز در موارد استثنایی به آن نمی‌پردازد و خانه‌داری را ذاتاً امری ناحقوقی تلقی می‌کند. به تبع ذاتی زن تلقی شدن خانه‌داری (یا طبیعی بودن وظیفه خانه‌داری برای زنان)، آن‌چه که بیش از همه در مصوبات به چشم می‌آید، منزلت بخشیدن به خانه‌داری در مقایسه با اشتغال است؛ تا جایی که خانه‌داری شغل محسوب شده است؛ منتها شغلی که از میان تمام مزایای اشتغال، فقط منزلت اجتماعی دارد. به علاوه خانه‌داری قابل تجزیه به انجام امور شخصی تک‌تک اعضای خانواده و از این حیث فاقد جنبه عمومی است و زن برای انجام آن حس مفید بودن ندارد و تبلیغات به‌تئهایی نمی‌تواند این واقعیت بیرونی را دگرگون کند؛ شواهد ارائه‌شده در پیشینه پژوهش این ادعا را تأیید می‌کند.

مسئله جبران کسری آموزش و مهارت‌های اجتماعی و نیز ایجاد بستری برای برقراری تعاملات اجتماعی، در مصوبات دیده نشده است.

۴- مسائل اقتصادی

منظور از مسائل اقتصادی، مجموعه عواملی است که در نهایت تأمین مالی یک فرد را مخاطره میندازد.

۴-۱- تبیین مسائل اقتصادی زنان خانه‌دار

یکی از مشکلات پررنگ زنان خانه‌دار، نداشتن استقلال مالی است؛ این به آن معنا نیست که زنان خانه‌دار الزاماً در تنگنای اقتصادی هستند، بلکه به معنای وابستگی‌شان به دیگر اعضای خانواده، به‌ویژه همسر، و بی‌تأثیر انگاشته شدن آنان در اقتصاد خانواده و جامعه است. چنین رویکردی حتی اگر در کلیت اقتصاد کشور واقع‌بینانه باشد، در ارتباط با نهاد خانواده ناعادلانه است.^۱ دو

۱. نک: شریفی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۷۸ و ۱۷۹.

راه‌کار برای حمایت اقتصادی از زنان خانه‌دار به نظر می‌رسد: در نظر گرفتن سهمی از درآمد خانوار برای آنان (این گزینه متفاوت از دریافت مزد از زوج می‌باشد) و شغل تلقی کردن خانه‌داری. در آمریکا تاحدی راه‌کار نخست به کار گرفته شده است؛ به این ترتیب که از ۱۹۸۰ بسیاری از ایالت‌ها قواعد مربوط به خانه‌داری را در قوانین طلاق خود گنجانده‌اند و سهم زنان خانه‌دار از دارایی‌های مشترک را به رسمیت شناختند و زمینه تصفیه دارایی حاصل شده پس از ازدواج را هنگام طلاق فراهم کردند. این قانون حمایتی، قدرت چانه‌زنی و عاملیت زنان را در خانواده افزایش داده و حتی موجب بالا رفتن آمار ازدواج شده است.^۱ این جا حق انعقاد مناسب‌ترین قرارداد ازدواج، به قصد تضمین حقوق زنان خانه‌دار، طرح می‌شود.^۲

زنان خانه‌دار از عواید مالی اشتغال، مانند درآمد، امتیازات و تسهیلاتی مانند انواع وام‌ها، امکانات رفاهی و تفریحی وابسته به شغل، حمایت در برابر هزینه‌های ناشی از بیماری خود و افراد تحت تکفل، از طریق بیمه‌های درمانی، حمایت در زمان پیری در قالب مستمری بازنشستگی و خدمات درمانی، محروم می‌شوند و این محرومیت، آن‌ها را مستعد فقر می‌کند. نداشتن شغل و تبعاً درآمد منابع ثروت عمومی را از دسترس آنان خارج می‌کند و آن‌ها را در بیرون دایره چرخش سرمایه ملی قرار می‌دهد. به همین دلیل شغل تلقی کردن خانه‌داری و صرف محاسبه ارزش افزوده آن^۳ یا تعلق گرفتن مستمری دولتی به زنان خانه‌دار راه‌کار مناسبی به نظر می‌رسد.

توجه به این نکته ضروری است که مورد نخست بیشتر کارکرد روانی و اجتماعی دارد و بر وضعیت اقتصادی زنان تأثیری نمی‌گذارد؛ در مورد دوم، یعنی پرداخت مستمری توسط دولت بابت خانه‌داری، بالحاظ باور فرهنگی به ماهیتاً زنانه بودن آن، خانه‌داری را به گزینه جذابی به‌ویژه برای زنان جوان تبدیل و بخشی از ظرفیت جامعه را از روند توسعه اقتصادی خارج می‌کند و آینده اقتصاد کشور به مخاطره می‌افتد. این نگرانی حتی در کشورهای توسعه‌یافته که احتمالاً دولت توان مالی پرداخت حقوق به خانه‌داران را دارد، برقرار است. به‌رغم اینکه در بسیاری از این کشورها خانه‌داری زنان به تاریخ پیوسته است، اخیراً تمایلی به احیای این نقش در رسانه‌های جدید و گفتمان عمومی دیده می‌شود؛ به این ترتیب که تصویری مدرن از خانه‌داری ارائه می‌شود: زنی تحصیل کرده که همسرش درآمد بالایی دارد و او و فرزندانش را به کار در خارج از خانه ترجیح می‌دهد.^۴ در این میان برای مثال دولت بلژیک، برای تعدیل عوارض خانه‌داری، نه تنها به تصویر

1. See: Wong, 2016: 50.

2. See: Huisvrouw: geen job, pensioen of zekerheid, (2.21.2020).

۳. نک: اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱۰.

4. See: Hege and Rønsen, 2011.

جذاب ارائه شده، لعاب نمی‌زند بلکه به زنان شاغل نسبت به انتخاب خانه‌داری و تبعاً کاهش حمایت دولت هشدار می‌دهد و به آنان استفاده از گزینه‌هایی مانند مرخصی بدون حقوق یا بیمه بیکاری را به جای استعفا و انصراف، برای عبور از دوران اضطرار، پیشنهاد می‌دهد.^۱

۴-۲- رویکرد حقوق ایران به مسائل اقتصادی زنان خانه‌دار

در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مکلف شده لایحه‌ای برای ایجاد بیمه اجتماعی زنان خانه‌دار حداقل دارای سه فرزند را تهیه و جهت تصمیم‌گیری قانونی ارائه نماید.^۲ با توجه به اینکه میزان مشارکت زنان در بخش‌های گوناگون اقتصادی مانند صنعت، کشاورزی، کارگاه‌های خانگی و خدمات، از جمله شاخص‌های توسعه است^۳، پرداخته نشدن به موضوع خانه‌داری در برنامه توسعه می‌تواند به اثربخشی آن خلل وارد کند. ارتقای هدفمند بیمه‌های اجتماعی و درمانی به قصد پوشش گروه‌هایی از جمله زنان خانه‌دار^۴ یکی از اهداف سند برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده است.

یکی از عینی‌ترین حمایت‌های اقتصادی از زنان خانه‌دار، بیمه زنان خانه‌دار، است. طبق بخش‌نامه ششصد و شصت و چهار سازمان تأمین اجتماعی، زنان خانه‌دار با شرایط مقرر در بیمه صاحبان حرف و مشاغل آزاد، می‌توانند به صورت خود اظهاری و به‌عنوان خانه‌دار، با انعقاد قرارداد و پرداخت حق بیمه از تعهدات قانونی برخوردار شوند. زنان خانه‌دار با انتخاب یکی از این سه گزینه می‌توانند خود را بیمه کنند: ۱. نرخ چهارده درصد (دوازده درصد سهم بیمه‌شده + دو درصد سهم دولت) شامل بازنشستگی و فوت بعد از بازنشستگی؛ ۲. نرخ شانزده درصد (چهارده درصد سهم بیمه‌شده + دو درصد سهم دولت) شامل بازنشستگی و فوت قبل و بعد از بازنشستگی؛ ۳. نرخ بیست درصد (هجده درصد سهم بیمه‌شده + دو درصد سهم دولت) شامل بازنشستگی، فوت و ازکارافتادگی. توجه به چند نکته در خصوص این مصوبه ضروری است: ۱. مقایسه سهم زنان خانه‌دار با سهم هفت درصدی کارگران از حق بیمه، از دشواری پرداخت آن برای زنان خانه‌دار حکایت می‌کند. ۲. اجباری نبودن بیمه زنان خانه‌دار، نقش مهمی در کاهش اثربخشی آن دارد. ۳. چنانچه سه ماه توقف در پرداخت حق بیمه به‌وجود آید، ارتباط بیمه‌شده با سازمان قطع می‌شود و در این صورت تکلیف حق بیمه پرداختی روشن نیست. این شرط که وضعیت خاص زنان

1. See: de officiële website van vlaanderen.

۲. نک: مجلس، ۱۳۹۶: م. ۱۰۳-ب.

3. See: "Indicators" (2020-11-4). <https://data.worldbank.org/indicator?tab=all>

۴. نک: هیئت وزیران، ۱۳۹۲: محور تأمین اجتماعی.

خانه‌دار را نادیده گرفته است، ریسک مالی بیمه شدن را افزایش می‌دهد. لازم به اشاره است که بیمه زنان خانه‌دار در تبصره ماده چهل و شش لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، پیش‌بینی شده بود که از مصوبه نهایی حذف شد.^۱

مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی با عنوان اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن، سه توصیه اقتصادی مرتبط با زنان خانه‌دار ارائه می‌دهد: ۱. ایجاد مراکزی برای انجام فعالیت‌های تولیدی و خود اشتغالی در کنار خانه‌داری جهت کمک به اقتصاد خانواده؛ ۲. تدوین قوانین حمایتی و گسترش پوشش کامل بیمه‌ای زنان بیوه، سال خورده، سرپرست خانوار و خانه‌دار؛ ۳. هدایت زنان در پذیرش نقش‌های اجتماعی هماهنگ با نقش مادری و همسری به منظور ارج‌گذاری و کارآمدسازی فعالیت‌های خانوادگی.^۲ مبنای تصویب این سند، حمایت از خانواده است و به عبارتی در آن خانواده اصالت دارد، نه زن خانه‌دار و اشتغال زنان خانه‌دار، در حد مشاغل خانگی، دیده شده که کارکردهای اجتماعی و اقتصادی اشتغال را ندارد و بیشتر کمک هزینه‌ای برای خانواده است. مع الوصف از عبارت گسترش پوشش کامل بیمه‌ای، لزوم اجباری شدن بیمه زنان خانه‌دار قابل استنباط است که در صورت اجرا، اقدام حمایتی کارآمدی محسوب می‌شود.

منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران در ارتباط با زنان (اعم از خانه‌دار و شاغل)، حقوق اقتصادی را به رسمیت می‌شناسد: حقوق مالی در ایام زوجیت؛ بهره‌مندی از مهریه و دریافت نفقه از شوهر یا پدر و تحت شرایطی فرزند؛ (لازم به اشاره است که به موجب قانون حمایت خانواده چنانچه مهریه، بیش از صد و ده سکه باشد، در خصوص مازاد، فقط توانمندی مالی زوج ملاک پرداخت است.^۳) برخوردار از مستمری در صورت فوت پدر، همسر و فرزند؛ حق اشتغال؛ برخوردار از تأمین اجتماعی و تسهیلات اقتصادی. این مصوبه اشاره‌ای مستقیم به خانه‌داری زنان نیز دارد و به حق حمایت از تأثیر کار زن در منزل بر اقتصاد خانواده و درآمد ملی و امکان دریافت دست‌مزد از زوج در برابر خانه‌داری می‌پردازد. دریافت دست‌مزد از زوج، رابطه مستقیم زن خانه‌دار را از شغلی با دولت را قطع می‌کند و زوج در مقام حلقه واسط در میانه این رابطه می‌ایستد و این مقوله با سنجش نقش زنان در درآمد ملی تعارض دارد. علاوه بر این در چارچوب خانواده از طریق نهادهای حقوق خانواده مانند نفقه و مهریه، از همه زنان حمایت مالی می‌شود که طبعاً این حمایت برای زنان خانه‌دار، اهمیت بیشتری دارد و

۱. نک: هیأت وزیران، ۱۳۸۸.

۲. نک: ش.ع.ا.ف، ۱۳۸۴.

۳. نک: مجلس، ۱۳۹۱: ۲۲.

تکرار مصوبه الزام‌آور مجلس در مصوبه غیرالزام‌آور شورا، تحولی در خصوص حقوق زنان خانه‌دار ایجاد نمی‌کند.

در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مقررهای محضاً در مورد زنان خانه‌دار وجود ندارد، ولی حمایت‌هایی برای زنان سرپرست خانوار پیش‌بینی کرده است؛ از جمله «دادن یارانه کارمزد تسهیلات مسکن به سازندگان... واحدهای مسکونی ارزان قیمت و استیجاری... برای... زنان سرپرست خانوار» (مجلس، ۱۳۸۳: م. ۳۰-د-۳) و «تأمین بیمه خاص... برای حمایت از زنان سرپرست خانوار» (مجلس، ۱۳۸۳: م. ۹۶-ج). قوانین دیگری نیز زنان سرپرست خانوار را مورد حمایت قرار داده‌اند. سرپرستی خانوار با خانه‌داری رابطه عمومی خصوص من وجه دارد و طبق آمار رسمی حدود هشتاد و دو درصد زنان سرپرست خانوار، خانه‌دار محسوب می‌شوند.^۱ از آن‌جا که زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و حتی فقر خشن قرار دارند، حمایت‌هایی مانند بیمه و تأمین مسکن، راه‌کاری از باب تأمین اجتماعی و به هدف پیشگیری از آسیب‌های احتمالی ناشی از فقر است و معمولاً در صورت تحت تکفل قرار گرفتن زن، غالباً به دلیل ازدواج، متوقف می‌شود.

در مصوبات چاره‌ای برای رفع مشکل مهم اقتصادی زنان خانه‌دار، یعنی نداشتن استقلال اقتصادی ارائه نشده است و برعکس آنان را از حیث تأمین مالی وابسته به اعضای خانواده، به ویژه همسر، کرده‌اند. به علاوه نظام حقوقی راه‌کاری برای بهره‌مندی زنان خانه‌دار از مرخصی ندارد و کماکان خانه‌داری شغلی بیست و چهار ساعتی است.

۵- مسائل سیاسی

منظور از مسأله سیاسی، مجموعه عواملی است که مشارکت سیاسی فرد را محدود می‌کند.

۵-۱- مسائل سیاسی خاص زنان خانه‌دار

محل انجام خانه‌داری در خانه، یعنی در سپهر خصوصی است؛ جایی که به ذات خود باید از معرض دید عموم پوشیده شود و دولت صلاحیت ورود و مداخله در آن جز در مواقع استثنایی ندارد. در حالی که سیاست، از جمله سیاست‌های راجع به زنان خانه‌دار، در سپهر عمومی، یعنی فضای تصمیم‌گیری در مورد مسائل مشترک انسان، در قالب احزاب و انجمن‌های سیاسی و...، شکل می‌گیرد. به این ترتیب خانه‌داری می‌تواند مشارکت سیاسی و تعامل فرد و دولت را به شرکت ادواری

۱. نک: تاج‌الدین و رحمتی‌والا، ۱۳۹۳: ۱۲۶.

در انتخابات محدود و فعالیت سیاسی زنان خانه‌دار را به حضور/اتلاف وقت در شبکه‌های مجازی اجتماعی خلاصه می‌کند.^۱ انزوای سیاسی زنان خانه‌دار ریشه بعضی اختلالات روانی آنان است، تا جایی که شبیه‌سازی حضور در سپهر عمومی در قالب گروه درمانی، به رفع اختلالات کمک می‌کند.^۲ مشارکت عمومی زنان در قالب انتخاب کردن و انتخاب شدن، تصدی مشاغل سیاسی و عمومی و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی مورد توجه حقوق بشر بین‌الملل هم واقع شده‌است و وظیفه دولت انجام اقدامات لازم برای رفع تبعیض از زنان در این قبیل مشارکت‌ها است.^۳ طبعاً زنان خانه‌دار هم از این حق برخوردار هستند و دولت وظیفه به تسهیل اجرای آن دارد.

محدودیت دسترسی و مشارکت در حوزه سیاست و جامعه بر توانمندی زنان خانه‌دار تأثیر منفی دارد. منظور از توانمندی، توانایی کسب آگاهی و هدایت نیروهای فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی با هدف بهبود زندگی است. افزایش عزت نفس و خودکارآمدی، توانایی بیان آرزوها و علائق و جامه عمل پوشاندن به آن‌ها، به چالش طلبیدن وضع موجود، آگاهی از عوامل ناتوانی و مقابله گروهی با آن‌ها، ارتقای توانایی تصمیم‌گیری در حوزه‌های مهم و راهبردی زندگی، دسترسی به منابع مالی و مشارکت اجتماعی و سیاسی، منجر به توانمندسازی زنان خانه‌دار می‌شود. توانمندی لازمه مطالبه‌گری از دولت و سهم طلبی در عرصه عمومی و به عبارت دیگر لازمه پیگیری حقوق شهروندی است.^۴ محدود شدن توان زنان خانه‌دار به انجام امور تکرارشونده خانه، امید برای تبدیل آنان به شهروند مسؤلیت‌پذیر و دغدغه‌مند را از بین می‌برد و سلامت اجتماعی آنان را مخدوش می‌کند.

خانه‌داری زنان علاوه بر مسائل فرهنگی، مانند مردانه تلقی کردن اشتغال و کسب درآمد، معلول عواملی چون بحران‌های اقتصادی و تبلیغات است و به نوبه خود روند توسعه اقتصادی یک کشور را به واسطه حذف نیمی از ظرفیت انسانی از بازار کار مختل می‌کند. لازم به اشاره است که حتی در کشور توسعه‌یافته‌ای مانند بلژیک، خانه‌داران از حمایت چندانی بهره‌مند نیستند ولی وضعیت آنان دو تفاوت با ایران دارد؛^۵ اول اینکه خانه‌داری و تبعات منفی آن منحصر به زنان نیست و گریبان مردان را نیز می‌گیرد و دوم اینکه دولت نه تنها خانه‌داری را ترویج نمی‌کند که نسبت به آن هشدار نیز می‌دهد.

خانه‌داری به معنای در خانه ماندن نیست و بعضی از فعالیت‌های آن مستلزم خروج از منزل

۱. نک: صادق‌زاده، ۱۳۹۶: ۶۶.

۲. نک: اکبری‌نژاد و اصل فتاحی، ۱۳۹۲: ۳۱ و ۳۲.

3. See: UN, 1979: 7.

۴. نک: خلوتی، ۱۳۸۸: ۱۵۳.

5. See: Huisvrouw of huisman worden Lees deze pagina voor, (2.21.2020).

است، بلکه به معنای تمرکز امور اصلی در خانه و گذران بخش بزرگی از وقت برای انجام امور غیرعمومی است. به این ترتیب زنان خانه‌دار، در مقایسه با زنان شاغل، فرصت و امکان کمتری برای مشارکت عمومی دارند؛ برای مثال زنان کارگر یا خویش‌کارفرما، به صرف شغل خود می‌توانند در قالب سندیکاها یا کارگری یا اصناف مشارکت عمومی داشته باشند. به رغم اینکه زنان خانه‌دار در ظاهر امر اوقات فراغت بیشتری دارند، عواملی مانند کسری آموزش و عدم توانمندی در مدیریت بهینه زمان، باعث می‌شود که الزاماً در جهت مشارکت عمومی استفاده نشود. عملاً هم «مشارکت زنان خانه‌دار کم‌رنگ و بی‌رونق است و اگر اشکال سنتی مشارکت که عمدتاً مشارکت‌های مذهبی است را کنار بگذاریم، در عرصه مشارکت‌های مدنی، فعالیت‌های قابل ملاحظه‌ایی وجود ندارد.» (عریضی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۶۵)

۵-۲- رویکرد نظام حقوقی ایران به مسائل سیاسی زنان خانه‌دار

مقدمه قانون اساسی، فصلی با عنوان زن در قانون اساسی دارد. اگرچه مقدمه قوانین به لحاظ فنی الزام‌آور نیست ولی اولاً یکی از ابزارهای مهم تفسیر محسوب می‌شود و ثانیاً نشان‌گر روح حاکم بر قانون اساسی و کلاً نظام حقوقی است. در این قسمت قانون‌گذار با عبارات «طبیعی است که زنان به دلیل ستم بیشتری که تاکنون از نظام طاغوتی متحمل شده‌اند استیفای حقوق آنان بیشتر خواهد بود» زمینه اعمال تبعیض مثبت به نفع زنان را فراهم کرده است؛ با پرداختن به نهاد خانواده ذیل عنوان زن در قانون اساسی، زن را در پیوند ناگسستنی با خانواده تعریف کرده و از مادری به عنوان مهم‌ترین وظیفه زنان نام برده است؛ اگرچه مادری را همه زنان، صرف نظر از شغل، انجام می‌دهند ولی از سیاق قانون مبنی بر اینکه زنان با «بازیافتن وظیفه خطیر و پرارج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ خود هم‌رزم مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشند و در نتیجه پذیرای مسؤلیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود»، این نتیجه حاصل می‌شود که توصیه قانون اساسی به خانه‌داری زنان و کفایت مشارکت اجتماعی در حد پرورش فرزند است.

نظام حقوقی از میان مسائل خاص به مسأله سیاسی کمترین توجه را دارد؛ پیش از انقلاب، ابتدا وزارت آبادانی و مسکن، سپس وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی، وظیفه ترویج خانه‌داری، در میان روستاییان را بر عهده داشت (مجلس، ۱۳۴۸) و به موجب بند چهار ماده دو قانون خدمات اجتماعی زنان (الغایی ۱۳۵۷/۱۲/۱۵)^۱، یکی از خدمات اجتماعی زنان، ترویج

خانه‌داری به هدف بهره‌آوری سبک زندگی زنان و دختران روستایی، در جهت استفاده بهینه از امکانات روز بود. پس از انقلاب این قوانین ملغا و فعالیت‌ها متوقف شد. سازوکارهایی مانند تسهیل فعالیت گروه‌های مدنی زنان خانه‌دار و از طریق آن تسهیل مشارکت زنان خانه‌دار در روند ایجاد قواعد حقوقی مرتبط می‌تواند این خلاء را پر کند.

۶- نتیجه‌گیری

دولت به جای فراهم‌سازی زمینه اشتغال زنان و بهره‌گیری حداکثری از نیروی انسانی برای رسیدن به توسعه، در سطح گسترده زنان را به خانه‌داری تشویق و ترغیب می‌کند. منطقاً هر شخصی باید تبعات ناشی از تصمیمات و اقدامات خود را بپذیرد و دولت از این قاعده مستثنی نیست.

فرضیه پژوهش ناظر بر اینکه نظام حقوقی ایران برنامه خاصی برای حمایت از زنان خانه‌دار ندارد، به این ترتیب تأیید و تکمیل می‌شود که حقوق به امور و مسائل زنان، به طور کلی اشاراتی دارد که الزاماً برای پاسخ‌گویی به نیازهای زنان در وضعیت خاص، از جمله خانه‌داران، کفایت نمی‌کند؛ به ویژه اینکه مصوبات راجع به زنان خانه‌دار عمدتاً توصیه‌ای، غیرالزام‌آور و دربرگیرنده مرام کلی نظام سیاسی در این خصوص است. با توجه به اینکه اولاً سازوکار اجرای بعضی حق‌های بشری مانند حق سلامت، حق رفاه و تأمین اجتماعی و حق فراغت (در قالب مرخصی و بازنشستگی) بیمه‌های اجباری است ثانیاً یکی از ساده‌ترین راه‌های دولت برای ارائه آموزش به شهروندان از طریق فضای کار و در قالب آموزش ضمن خدمت است، ثالثاً حق کار خود دربرگیرنده تعدادی از حق‌ها مانند حق مشارکت عمومی (در قالب عضویت در تشکلهای کارگری و شرکت در تجمعات) است و متضمن سطحی از مشارکت اقتصادی می‌باشد می‌توان گفت اشتغال شرط نانوشته بهره‌مندی کامل و معنادار فرد از حقوق بشری است و نتیجتاً زنان خانه‌دار برای احقاق حقوق خود، بدون امکان بهره‌گیری از سازوکارهای وابسته به شغل با دشواری مواجه می‌شوند. به علاوه به تبع خانه‌داری برای مثال تحقق آزادی بیان و اندیشه اگر کلاً از محتوا تهی نشود، دشوار می‌شود؛ چون راه ارتباط فرد و دولت، به عنوان یک طرف رابطه در سنت حقوق بشر، تقریباً بسته شده است؛ نتیجتاً حقوق و وظایف زنان خانه‌دار به حریم خانه و حقوق خانواده و رابطه زوجیت محدود می‌شود و چنانچه این وضعیت تداوم یابد و چاره‌ای برای اصلاح آن اندیشیده نشود و رابطه زنان خانه‌دار با دولت از طریق حلقه واسط سرپرست، شکل گیرد، محضاً از حیث نحوه تعامل با دولت (مانند کودکان یا نمونه تاریخی رعایا) به شهروند درجه دو، تنزل جایگاه می‌دهند.

برای رعایت شأن شهروندی زنان خانه‌دار، می‌توان میان نسل فعلی و نسل آینده تفکیک قائل

شد. خانه‌داری بخشی از زنان نسل فعلی، یک واقعیت انکارناپذیر اجتماعی است. دولت باید چاره‌ای بیندیشد تا این زنان از حقوق شهروندی در همه ابعاد بهره‌مند شوند. انجام این تحولات نیاز به تدوین قانونی جامع در مورد زنان خانه‌دار، با حضور نمایندگان خودشان در محورهای زیر دارد:

- یکی از عللی که سیاست‌های تدوین شده در قالب قانون اساسی، برنامه‌های توسعه و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، تاکنون اجرایی نشده‌است، فقدان ساختار اجرایی متناسب است. بنابراین امور زنان خانه‌دار باید به موجب قانون متولی داشته باشد و در صلاحیت یک نهاد مشخص، اعم از نهادهای موجود مانند سازمان بهزیستی یا یک ارگان جدید، قرار گیرد.

- در شرایطی که گویا نظام حقوقی، سهم زنان خانه‌دار از درآمد عمومی را به واسطه همسر، مثلاً در قالب برخورداری از بیمه درمان از طریق همسر یا بهره‌مندی از مستمری همسر متوفی، می‌پردازد، زمینه حقوقی انعقاد قرارداد ازدواج خوب، آن‌گونه که خود صلاح می‌دانند، برایشان فراهم شود و بالحاظ اهمیت مضاعف نهادهایی مانند مهریه، اجرت‌المثل و نفقه برای زنان خانه‌دار، نسبت به شاغلان، با رعایت تبعیض مثبت به نفع خانه‌داران در این قبیل نهادها، مثلاً برداشتن محدودیت سقف میزان مهریه (به ویژه با عنایت به کارکرد آن در تعدیل سهم الارث زوجه) و تقنین و تسهیل تصویف اموال حاصله پس از ازدواج، مسیر اعمال اراده برایشان هموار گردد؛

- آموزش‌های لازم به قصد خوب انجام شدن خانه‌داری، برای مثال آسیب نزدن به خود هنگام کار با ابزارهای خانگی، داده شود؛

- دستورالعمل‌های دقیقی برای تضمین سلامت و تأمین آسایش و ایمنی زنان خانه‌دار تعریف و سازندگان ساختمان‌ها و ابزار به رعایت آن ملزم شوند. برای مثال الزاماً آشپزخانه نور و تهویه مناسب داشته باشد؛

- زمینه مشارکت مدنی زنان خانه‌دار فراهم شود تا از این طریق زندگی آنان بعد اجتماعی یابد. راه به لحاظ اقتصادی کم‌هزینه برای این تغییر، به رسمیت شناختن آزادی‌های گروهی و تشویق فعالیت سازمان‌های غیردولتی زنان و از این طریق ارائه خدمات تفریحی، ورزشی، آموزشی و ... است؛

- سازوکارهای تبعیض مثبت، مانند برخورداری رایگان از خدمات بهداشتی، درمانی،

مشاوره‌ای و روان‌شناختی در دستور کار قرار گیرد. سازوکار حمایتی قابل توصیه دیگر بیمه است که اثربخشی‌اش مستلزم اجباری شدن، افزایش سهم مشارکتی دولت و کاهش سهم بیمه شده می‌باشد.

در مورد نسل‌های بعدی وضعیت متفاوت است. خانه‌داری از جمله علت‌های توسعه نیافتگی اقتصادی یا کند شدن شیب آن، به تبع کاستن از جمعیت فعال و افزودن بر جمعیت غیرفعال است؛ بنابراین مصلحت عمومی جامعه و زنان در حذف آن است. راه مقابله با خانه‌داری، توقف تبلیغ رسمی تقسیم کار سنتی، توانمندسازی زنان جوان برای ورود به بازار کار، رعایت اصل برابری در دسترسی به فرصت‌های شغلی و حتی موقتاً اعمال سازوکارهای تبعیض مثبت برای افزایش آمار اشتغال زنان است. اگر زمینه اشتغال برای همه زنان فراهم شود، می‌توان خانه‌داری را یک انتخاب، تلقی کرد و تنها در این صورت است که دیگر دولت وظیفه به حمایت ویژه از زنان خانه‌دار نخواهد داشت.

کتاب‌نامه

الف- کتب و مقالات

الف-۱: فارسی

- ابراهیمی، جعفر و فرزانه صالحی (۱۳۹۰)، «بررسی مقایسه‌ای میزان رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار»، مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۴۷-۶۰.
- اسفندیاری، علی اصغر؛ مهدی پدرام و صادق مجدم (۱۳۹۲)، «اقتصاد غیررسمی، خانه داری زنان و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی زنان متأهل شهر اهواز)»، مطالعات زنان، شماره ۳۷، صص ۹۱-۱۱۴.
- اسمخانی اکبری‌نژاد، هادی و بهرام اصل فتاحی (۱۳۹۲)، «اثربخشی روان درمانی گروهی مبتنی بر رویکرد شناختی- رفتاری بر افسردگی و باورهای غیرمنطقی زنان خانه‌دار»، زن و مطالعات خانواده، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۲۱-۳۵.
- بنایی، نازی و محمد عسگری (۱۳۹۲)، «تأثیر آموزش مهارت‌های مقابله با فشار روانی بر کیفیت زندگی زنان خانه‌دار»، دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، دوره ۱۴، شماره ۱، پیاپی ۵۱، صص ۴۳-۵۲.
- تاج‌الدین، محمدباقر و لیلی رحمتی‌والا (۱۳۹۳)، «رسانه ملی و توانمندسازی زنان سرپرست خانوار، (مورد مطالعه: زنان سرپرست خانوار منطقه ۱۸ تهران)»، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۷، شماره ۶۵، صص ۱۱۹-۱۶۱.
- حبیب‌پور گتایی، کرم؛ حسین نازک‌تبار و رضا فرج‌تبار (۱۳۹۱)، «مقایسه مصرف فراغت در بین زنان شاغل و خانه‌دار در شهر ساری»، مطالعات راهبردی زنان، سال ۱۵، شماره ۵۸، صص ۱۶۳-۱۹۰.
- خلوتی، ملیحه (۱۳۸۸)، «بررسی میزان توانمندی زنان خانه‌دار و عوامل مؤثر بر آن در شهر شیراز (۱۳۸۶)»، فصل‌نامه پژوهش اجتماعی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۱۵۳-۱۷۱.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۷)، شاخص‌های اصلی بازار کار دوره‌ی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۶، چاپ نخست، تهران: مرکز آمار ایران، دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.
- شریفی، الهام؛ سعید رهایی و مسعود راعی (۱۳۹۶)، «عدالت‌سنجی شغل خانه‌داری زنان»، آموزه‌های فقه مدنی، شماره ۱۵، صص ۱۵۹-۱۸۳.
- صادق‌زاده، رقیه (۱۳۹۶)، «وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی در زنان خانه‌دار، مطالعه کیفی موردی»، فرهنگ، جامعه و رسانه، دوره ۱۵، شماره ۲۲، صص ۵۷-۶۸.
- صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی (۱۳۹۵)، «فهم خانه‌داری در بستر نقش‌های جنسیتی، مطالعه کیفی در شهر تهران»، فصل‌نامه علوم اجتماعی، شماره ۷۳، صص ۱-۳۱.

- عریضی، فروغ‌السادات؛ منصور حقیقتیان و مرجان زرنندی خالدی (۱۳۹۰)، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت اجتماعی زنان خانه دار شهر اصفهان»، علوم اجتماعی شوستر، شماره ۱۲، صص ۱۷۰-۱۴۱.
- عقیلی‌نژاد، ماشاله؛ سیدمحمد سیدمهدی مجید گل‌آبادی و سمیرا گودرزی دهریزی (۱۳۹۱)، «فراوانی اختلالات اسکلتی-عضلانی و عوامل مرتبط با آن در زنان خانه‌دار»، مجله پزشکی دانشگاه تبریز، دوره ۳۴، شماره ۲، صص ۸۶-۸۹.
- علوی‌زاده، امیر (۱۳۸۷)، «بررسی چگونگی اوقات فراغت زنان خانه‌دار در شهر کاشمر»، فصل‌نامه جمعیت، شماره ۶۳، صص ۶۱-۸۳.
- فرهنگ، مهناز؛ خدیجه حاتمی‌سروی و مرضیه محمدحسینی (۱۳۹۵)، «مقایسه سلامت اجتماعی، مهارت‌های ارتباطی، قدرت تصمیم‌گیری و عزت نفس در بین زنان شاغل و خانه‌دار شهر یزد»، فصل‌نامه زن و جامعه، شماره ۲، صص ۱۴۷-۱۶۵.
- فلاح‌زاده، حسین؛ مریم غفاری‌کیا؛ نعیمه کیقبادی و حسن سعادت (۱۳۹۳)، «مقایسه میزان افسردگی، اضطراب و استرس در زنان شاغل و خانه‌دار شهر شیراز در سال ۱۳۹۱»، طلوع بهداشت یزد، دوره ۱۳، شماره ۱، صص ۱۱۵-۱۲۳.
- ویسی، هادی و اردلان زرنندیان (۱۳۸۸)، «تبیین نیازهای آموزشی زیست محیطی زنان خانه‌دار: مطالعه موردی زنان خانه‌دار منطقه ۱۲ تهران»، مطالعات اجتماعی روان‌شناختی زنان، شماره ۲، صص ۲۳-۷.

الف-۲: لاتین

- Alkhanaini, Mona (2012). "Interior Design of the House and Its Relationship to the Housewife Psycho-Social Consensus", *International Conference on Sustainable Development, Montclair State University Montclair, New Jersey*.
- Harilal A and Santhosh VA (2017). "A Comparative Study on Stress Levels among Working Women and Housewives with Reference to the State of Kerala", *Journal of Economics and Public Policy*, Vol II, No. 1, p. 29-35.
- Hege Kitterød, Ragni and Rønsen, Marit (2011). "Housewives in a dual-earner society: Who is a housewife in contemporary Norway", *Statistics Norway, Research Department*, Vol. 659, p. 1-25.
- Wong, Ho-Po Crystal (2016). "Credible Commitments and Marriage: When the Homemaker Gets Her Share at Divorce", *Journal of Demographic Economics*, Vol. 82, No. 3, p. 241-279.

ب- اسناد

ب-۱: فارسی

- سازمان تأمین اجتماعی (۱۳۸۷/۹/۲۳)، «بیمه زنان خانه‌دار»، بخش نامه ۶۶۴.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۴/۴/۷)، «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن».
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۶/۸/۸)، «سیاست‌ها و راهبردهای ارتقای سلامت زنان».
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۱/۱۲/۲۰)، «سیاست‌های بهبود وضع گذران اوقات فراغت زنان و دختران».
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۷۱/۵/۲۰)، «سیاست‌های اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران».
- شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۳/۶/۳۱)، «منشور حقوق و مسؤلیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران».
- مجلس شورای اسلامی، «قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۸۹/۱۰/۱۵).
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳/۶/۱۱)، «قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران».
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۶/۱/۲۱)، «قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران».
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۱/۸/۲۴)، «قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست».
- مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۱/۱۲/۱)، «قانون حمایت خانواده».
- مجلس شورای ملی (۱۳۴۸/۱۰/۲۹)، «قانون اجازه انتقال مروجین دستگاه ترویج خانه‌داری از وزارت آبادانی و مسکن به وزارت اصلاحات ارضی و تعاون روستایی».
- مجلس شورای ملی (۱۳۴۷/۴/۱۳)، «قانون خدمات اجتماعی زنان».
- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۹۵/۶/۱۳)، «سیاست‌های کلی خانواده».
- هیأت وزیران (۱۳۹۲)، «سند برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده».
- هیأت وزیران (۱۳۸۸/۱۰/۲۰)، «لایحه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران».

ب-٢: لاتین

- ILO (1935). "Underground Work (Women) Convention".
- WHO (1946), "Constitution of the World Health Organization", *the International Health Conference*, New York, 19-22 June.
- UN (1966). "International Covenant on Civil and Political Rights", *Treaty Series*, vol. 999, p. 171.
- UN (1979). "Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination Against Women", *Treaty Series*, vol. 1249, p. 13.

پ- وبسایتها

- "Huisvrouw of huisman worden Lees deze pagina voor" (2.21.2020). De Officiële Website Van Vlaanderen, <https://www.vlaanderen.be/nl/werk/loopbaan/huisvrouw-huisman-worden>
- "Huisvrouw: geen job, pensioen of zekerheid", (2.21.2020), Michel Muriel, <https://www.tijd.be/netto/loopbaan/huisvrouw-geen-job-pensioen-of-zekerheid/9057095.html> "Indicators" (2020-11-4). <https://data.worldbank.org/indicator?tab=all>